

اخبار کارگری

یک فعال صنفی:

وضعیت تأمین اجتماعی نیازمند توجه ویژه دولت است

یک فعال صنفی گفت:بایدسازو کار مشخصی برای حمایت از کارگران بیکار شده تعریف شود تا این حمایت‌ها به‌صورت عملی ومؤثر باشدوقابلیت تحقق داشته‌باشد.

«سعیدفتاحی» مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در رابطه‌بسا وضعیت کارگران در دوره جنگ و روزهای پس از آن به ایلنا گفت:متأسفانه شرایط باعث شده برخی از کارگران در معرض اخراج قرار بگیرند.برخی از آنان اخراج شده‌اندو عده‌ای دیگر نیز نگران از دست دادن شغل خودهستند.

وی افزود:دولت باید توجه‌داشته‌باشد که کارگرانی که تا به امروز در این شرایط دشوار و حتی در وضعیت جنگی ایستادگی کرده‌اند،شایسته‌چنین برخوردی نیستندبه‌چراي آنکه کارگران اخراج شوند، لازم‌است حمایت‌های لازم از آنان صورت پذیرد وبسته‌های حمایتی در نظر گرفته‌شود. در این مدت،بسیاری از کارگران بامیل‌وراده خوددر محل کار حضور داشته‌اندو ادامه‌فعالیت داده‌اند، بنابراین این روند اخراج قابل قبول نیست.

وی افزود:البته در این میان باید به وضعیت کارفرمایان نیز توجه‌داشت. کارفرمایان نیز در شرایط فعلی بامحدودیت‌هایی مواجه‌هستندو نمی‌توانند به‌تنهایی بار این مشکلات را به دوش بکشند. لازم‌است دولت در کنار کارگران، از کارفرمایان نیز حمایت کند تا آنها بتوانند شرایط لازم برای حفظ نیروی کار رافراهم آورند.

این فعال صنفی گفت:در سطح جهانی نیز در چنین شرایطی، معمولاً دولت‌ها با ارائه حمایت‌های گسترده به کارفرمایان و کارگران، تلاش می‌کنند از بروز بحران‌های اجتماعی جلوگیری کنند. به‌ویژه در ابتدای بحران، حمایت از کارفرما اهمیت زیادی دارد تا بتواند از حقوق و معیشت کارگران خوددفاع کند.

فتاحی با اشاره به لزوم برقراری تعادل بین منافع کارگران و کارفرمایان از یک‌سو و تأمین اجتماعی از سوی دیگر گفت: باید تعادلی میان حقوق کارفرما و کارگرو تأمین اجتماعی برقرار شود. تأمین اجتماعی نیز به‌حق نیازمند منابع مالی است چرا که پرداخت حقوق میلیون‌ها بازنشسته بر عهده این سازمان است. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این سازمان برای پرداخت حقوق‌ها ناچار به دریافت وام از بانک‌ها و دولت‌شده‌است.

وی افزود: بنابراین دولت باید نقش حمایتی خود را در قبال تأمین اجتماعی نیز ایفا کند تا این سازمان بتواند به تعهدات خود عمل کند. در این راستا، برخی طرح‌ها مانند ارائه کارت‌های اعتباری به بازنشستگان نیز مطرح‌شده که می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی آنان کمک کند.

مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در پایان گفت: به نظر می‌رسد دولت باید سده‌بدهی‌های خود به تأمین اجتماعی را پرداخت کند چرا که این سازمان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهادهای اقتصادی کشور محسوب می‌شود و تقویت آن می‌تواند به بهبود وضعیت کارگران و بازنشستگان کمک کند.

■ ■ ■

مطالبات کارگران سامان کاشی

پس از ۱۰ سال پرداخت نشده‌است

کارخانه سامان کاشیی بر وجود در لرستان در فاصله مراد ماه سال ۹۲ تا سال ۹۶ به دلیل آنچه از سوی کارفرما («مشکلات مالی» خوانده می‌شده به‌تدریج به ۷۵ میلیارد تومان وورشکسته‌اعلام‌شود و از زمان تاکنون هنوز بخش عمده‌ای از مطالبات حدود ۱۱ کارگر این واحد تولیدی پرداخت نشده است. یکی از این کارگران به ایلنا گفت: با وجود آنکه هر یک از ما کارگران باطرح شکایت در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی برخورد میکنیم مطالبات معوقه خود شده‌ایم اما کارفرما به پنهانه مشکلات مالی اعتنایی به پرداخت مطالبات مان نمی‌کند. وی با بیان اینکه ما ۱۱ کارگر با سابقه ۱۰ تا ۱۷ساله به دلیل مشکلات بیمه‌ای هنوز امکان بازنشستگی پیدا نکردهایم، افزود: قرار بود اگر کارخانه دوباره راه‌اندازی شود با پرداخت ادامه حق بیمه، امکان بازنشستگی بر ایمان فراهم شود اما با وجود اینکه کارخانه بعداز گذشتگی حدود ۱۰ سال تقریباًاز بهمن ماه سال ۱۴۰۳ فعالیت خود را آغاز کرد، نه تنها به کار گرفته نشدیم بلکه با وجود در دست داشتن حکم قضایی برای توقیف برخی تجهیزات کارخانه، هنوز مطالبات مان به دلیل عدم اجرای حکم، وصول نشده‌است او گفت: مجموع مطالبات هر یک از ما کارگران قدیمی سامان کاشی حدود دو میلیارد تومان (بین سال‌های ۹۲ تا ۹۵) است که کارفرما از آن زمان هر ماه وعده پرداخت آن را می‌دهد اما نه مطالبات مان پرداخت می‌شودونه تعیین تکلیف می‌شود.

■ ■ ■

دبیر اجرایی خانه کارگر لرستان خواستار شد: احکام حقوقی بازنشستگان کارگری به سرعت صادر شود

دبیر اجرایی خانه کارگر لرستان، خواستار توجه به معیشت بازنشستگان کارگری و صدور هر چه سریع‌تر احکام حقوقی جدید آنها شد. «محمدحسن موسیوند» عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان خرم‌آباد در گفت‌وگو با ایلنا با انتقاد از عدم صدور احکام حقوقی بازنشستگان کارگری گفت: گذشت بیش از ۲۰ روز از سال جدید، هنوز وضعیت احکام بازنشستگان تأمین اجتماعی نامشخص است، در حالی که تکلیف بازنشستگان کشوری روشن شده و قرار است حقوق شان از همین ماه افزایش یابد. وی با انتقاد از تبعیض میان بازنشستگان گفت: ما کارگران بازنشسته هر سال با همین معضل مواجهیم. احکام حقوقی ما با تاخیر یکی دو ماهه صادر می‌شود و ماه‌های ابتدای سال از افزایش حقوق محرومیم. می‌شود فعال صنفی بازنشستگان ادامه داد: توقع داریم در شرایط جنگی، به معیشت بازنشستگان کارگری که به‌صورت ویژه توجه کنند. امیدواریم مدیرعامل تأمین اجتماعی قبل از پایان فروردین تکلیف افزایش مستمری‌ها را روشن کند و احکام جدید بازنشستگان و مستمری بگیران صادر شود. او تأکید کرد: بازنشستگان کارگری زیر بار هزینه‌های زندگی به‌سسته آمده‌اند و نیازمند توجه ویژه هستند.



۱۴۰۴ و همگام با افزایش بالاتر از نرخ تورم مد، سال نو برای جامعه کارگری با امیدهای تازه آغاز شد اما گذشت زمان و افزایش فشارهای اقتصادی، سفره کارگران کوچک‌تر شُشد. از اخراج‌ها تا تورم سنگین، شرایط معیشتی کارگران شاغل و بازنشسته را به چالش کشید. با وجود تلخ‌کامی‌های فراوان، تصمیماتی در زمینه افزایش حقوق، روزه‌های امید را برای طبقه مزدبگیر گشود. با این حال، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها و تحریم‌ها همچنان سایه سنگینی بر امنیت شغلی و رفاه کارگران انداخته‌است.

«حسن صادقی» عضو هیأت‌مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ به مرور وضعیت کارگران در سال ۱۴۰۴ پرداخت و گفت: کارگران سال ۱۴۰۴ را در شرایطی آغاز کردند که افزایش حقوق نسبتاً معقولی داشتند و ابتدای سال وضعیت کارگران نسبتاً بهتر بود. همچنین اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان منجر به رضایت نسبی برای کارگران بازنشسته‌شد.

شروع کوچک‌شدن سفره کارگران از خردادماه

وی با اشاره به شرایط سخت جامعه کارگری در پی جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی ۴۰ روزه اخیر و افزایش فشار معیشتی بر سفره کارگران بیان کرد: از خرداد ماه ورق برگشت و روی بد خود را به جامعه کارگری نشان داد. از اخراج‌ها تا تورم سهمگینی که در اقتصاد نمایان شد، سفره کارگران شاغل و بازنشسته را به‌طور ملموس کوچک کرد. روند معکوسی که آغاز شد تا امروز استمرار داشت، در شرایط کنونی نیز درگیر جنگ نامتقارنی هستیم که امنیت شغلی کارگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

صادقی با اشاره به افزایش امیدها در پی رشد ۶۰ درصدی حقوق کارگران در سال ۱۴۰۵ خاطر نشان



از خرداد ۱۴۰۴ ورق برگشت و روی بد خود را به جامعه کارگری نشان داد. از اخراج‌ها تا تورم سهمگین، سفره کارگران شاغل و بازنشسته را به‌طور ملموس کوچک کرد: در وندگی که تا امروز استمرار دارد

گفت و گو

بدهی یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق بیمه‌ای کارگران

افلاس تأمین اجتماعی، زیر سایه شوک درمانی‌های شدید



کرده‌ناید فراموش کرد که در این شرایط سخت روزه امیدری را شاهد بودیم که شامل تصمیم شورای عالی کار مبنی بر افزایش حقوق ۶۰درصد حداقل دستمزد و افزایش حقوق ۴۵درصدی برای سایر سطوح مزدی بود و جاب‌است که کارفرمایان و دولت با رغبت و میل این تصمیم را گرفتند.

وی افزود: مکمل این تصمیم، قرار بر افزایش دستمزد در نیمه دوم سال ۱۴۰۵ است که قرار است در صورت افزایش تورم ترمیم‌مزد صورت بگیرد. با این حال در سال ۱۴۰۴ تلخی‌ها برای جامعه کارگری کشور بیش از شیرینی‌ها بود.

وضعیت کارگران در ایام جنگ

عضو هیأت‌مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران بیان کرد: متأسفانه این وضعیت سخت به ابتدای سال جاری هم منتقل شده‌است. در ایام جنگ کارگران در صنایع و شهرک‌های صنعتی جانشان را از دست دادند. در اصفهان، استان مرکزی و آذربایجان شرقی، جان کارگران طی حملات هوایی

تأمین اجتماعی چندسالی‌ست که در وضعیت نامناسبی قرار گرفته و دلیل آن، شوک در مانی‌هایی‌ست که دولت‌ها انجام داده‌اند. دولت تعهدات خود را به تأمین اجتماعی پرداخت نکرده و دانشم‌برای این سازمان هزینه هم ایجاد می‌کند

را موجب‌شد و تورم به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافت. وی افزود: این سیاست طیف وسیعی از طبقه مزدبگیر را در بر گرفت. مادر زمان حذف یارانه‌ها پارها متذکر شدیم که پرداخت یارانه بسیار بهتر از پرداخت ارز ترجیحی است اما بدون توجه به توصیه‌ها حذف یارانه‌ها در کشور رقم خودموالی در قالب یارانه نقدی به مردم پرداخت‌شد که در سال‌های بعد کاملاًی اثر شد.

سیاست مثبت کالابرگ در قبال کارگران

این فعال صنفی، سیاست جدید دولت مبنی بر تخصیص کالابرگ را سیاست درستی خوانده و گفت: در درستی که این دولت انجام‌داد تعریف‌سید الا‌ل‌های اساسی برای مردم در قالب کالابرگ بود که بسیار بهتر از پرداخت نقدی به مردم بود. حتی اگر بتواند کل یارانه‌ها را قطع کرده‌وان را در قالب سبد کالا به مردم بدهد، آثار بهتری برای کارگران خواهدداشت و نفع بیشتری هم به جامعه هدف خواهدرساند. این امر تقویت صنایع و خط تولید داخلی را هم راه دارد. متأسفانه در دولت‌های قبل شوک راباشوک جواب‌می‌دادند و با توزیع نقدینگی

در جامعه آثار تومر بیشتری ایجاد می‌کردند. ما بارها تأکید داشتیم که شوک‌درمانی واقدامات خلق‌الساعه در اقتصاد جواب نمی‌دهد.

وی ادامه داد: دولت‌ها از آنجا که نمی‌توانند نفت بفروشند، دستشان را به‌صورت نامرئی در جیب مردم می‌کنند. در فروش ارز خود دولت نقش دلال را پیدا می‌کند تا بتواند این پول را هزینه دستگاه عرض و طولی خود کند از جمله هزینه‌سازمان‌های بیمه‌ای که الان در مرز ورشکستگی هستند در واقع تحریم‌است که علت‌العللی مشکلات معیشتی کارگران بود.

صادقی در ادامه به وضعیت سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرد و گفت: این سازمان تقریباً ۵۲.۷درصد جمعیت کشور را در حوزه‌های درمان و حقوق مدیریت می‌کند و نقش به‌سزایی در کشور دارد اما متأسفانه تقریباً ۷ تا ۷ سال است که در وضعیت نامناسبی قرار گرفته و دلیل آن همین شوک‌درمانی‌هایی‌ست که دولت‌ها انجام داده‌اند. دولت تعهدات خود را سسال‌ها نسبت به تأمین اجتماعی در داخت نکرده‌است و دانشم‌ها برای سازمان هزینه‌هم ایجادمی‌کند. طبیعی‌است که در این شرایط تأمین اجتماعی به سمت ناکار آمدی پیش می‌رود.

تأمین اجتماعی؛

اثر تروتمندی که فاقد نقدینگی‌است

وی با اشاره به اینکه سازمان تأمین اجتماعی اثر تروتمندی‌است که فاقد نقدینگی‌است، گفت: این سازمان شرت، درایی و بانک دارد اما پول نقد ندارد. دولت اکنون چیزی در حدود یک تریلیون و ۵۰۰هزار میلیارد تومان به این سازمان بدهکار است و تقریباً ۱۲۰هزار میلیارد تومان کارفرماهای بخش خصوصی به این سازمان بدهکار هستند. از این روز سازمان مجبور است که از بانک رفاه در قالب خط اعتباری پول قرض کند.

صادقی در پایان خاطر نشان کرد: بانک رفاه عصای دست سازمان تأمین اجتماعی است و دارایی‌های آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی و کارگران است. این بانک نقش مؤثری در تأمین کسری منابع تأمین اجتماعی ایفا می‌کند. با این حال، سازمان تأمین اجتماعی وضعیت مناسبی ندارد و نباید فراموش کرد که بیمه‌بیکاری که در شرایط بحرانی جنگ، باید دست کارگران بیکار شده را بگیرد از منابع صندوق بیمه بیکاری ذیل سازمان تأمین اجتماعی تأمین می‌شود.



جریان تولید و تأمین نیازهای کشور شد و افزود: لازم‌است بسته‌های حمایتی از تولیدکنندگان در حوزه‌های مالیاتی، گمرکی، بانکی و سایر بخش‌ها به‌صورت مؤثر و عملیاتی اجرا شود تا چرخه تولید و اشتغال در کشور استمرار یابد و دچار توقف ناخواسته نشود.

این کارشناس حوزه صنعتی در پایان خاطر نشان کرد: حضور پررنگ و تلاش تولیدکنندگان و کارگران برای روشن نگه داشتن چرخه تولید و اقتصاد کشور در چنین شرایط بحرانی، نشانه‌ای روشن از تعهد و تعلق آنان به سرزمین آبا و اجدادی و منافع ملی است.



نهادهای متولی: هواری کاری و نبود هماهنگی میان سازمان‌های مختلف آموزش و اشتغال – خلاط‌اطلاعاتی: نبود نظام یکپارچه داده و اطلاعات بازار کار برای پاسخ‌وارزیابی دقیق اثر بخشی طرح‌ها- نیابند: منابع: محدودیت در تأمین مالی مستمر برای پروژه‌های اشتغال‌زایی.

در بخش پایانی این گزارش، بر ضرورت یک تحول ساختاری در سیاست‌گذاری بازار کار تأکید شده‌است. راهکار پیشنهادی، حرکت به سمت «یکپارچه‌سازی نهادی» و توسعه «مجموع جامع داده‌محور» است. بر این اساس، ابزار حمایتی نیاید به‌صورت جداگانه بلکه باید در قالب «بسته‌های سیاستی منسجم» طراحی شوند. در این مدل جدید، فرآیند حمایت از لحظه شناسایی نیاز بازار شروع شده و با آموزش هدفمند و کسب تجربه در محیط واقعی کار ادامه می‌یابد تا در نهایت به خدمات تخصصی کار یابی ورود یابد. بازار کار ختم شود. این گزارش در نهایت تأکید می‌کند که بدون تأمین منابع مالی پایدار و شفافیت اطلاعاتی، سنسجش اثر بخشی مداخلات دولت در بازار کار دشوار خواهد بود. توسعه نو‌سازمی این فرآیندها، پیش‌شرط اصلی بهبود شاخص‌های اشتغال رسال جاری است.



مانند آموزش، خدمات و کارگری، این رقم به‌مراتب پایین‌تر و در محدوده ۱۵ تا ۲۶ میلیون تومان بوده‌است.

سطح ارشدیت نیز شکاف قابل توجهی ایجاد می‌کند؛ طوری که حقوق مدیران به‌طور متوسط حدود سه برابر کارکنان عادی است. همچنین، بیشترین رشد دستمزد ناشی از سابقه کار در سال ابتدایی اشتغال رخ می‌دهد. پس از حدود ۱۵ سال، این اثر به‌طور محسوس کم‌اش می‌یابد. در کنار این عوامل، متغیرهایی مانند شهر محل کار، نوع دستگاه و تخصصی‌نیز اثرگذارند اما شدت تأثیر آنها متفاوت است. برای مثال، اختلاف دستمزد میان تهران و سایر شهرها حدود ۰٫۳درصد است، در حالی که نوع دانشگاه نقش محدودی در تعیین حقوق دارد.

در این میان، شکاف جنسیتی همچنان قابل توجه است: زنان به‌طور متوسط حدود ۰٫۳درصد کمتر از مردان حقوق دریافت می‌کنند؛ شکافی که بخشی از آن به تفاوت در موقعیت‌های شغلی و سابقه کاری و بخشی دیگر به عواملی مانند قدرت چانه‌زنی و سوبیوگری‌های ساختاری بازمی‌گردد.

رقابتی نابرابر میان دستمزد تورم

برآیند تحولات سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که بازار کار در شرایطی بیچیده و چنل‌به‌قرار گرفته. از یک‌سو، برخی حوزه‌ها و ویژه‌مشاغل، امرکتشفناوری توانسته‌اند رشد قابل توجهی را تجربه‌کنند و جایگاه خود را تثبیت کنند. از سوی دیگر، اکثریت نیروی کار با چالش‌های اساسی مواجه‌اند: عقب

ماندن دستمزد تورم.

افزایش ۶۰درصدی حداقل دستمزد در سال جدید، اگرچه در ظاهر رقم قابل توجهی است اما در غیاب ثبات اقتصادی، تضمینی برای بهبود قدرت خرید محسوب نمی‌شود. در نهایت، تعیین مسیر بازار کار بیش از هر چیز به روند تورم، ثبات اقتصادی و توان بنگاه‌ها در تطبیق با این شرایط وابسته خواهد بود.

رئیس خانه صنعت ایران:

دولت به کمک واحدهای تولیدی آسیب‌دیده بیاید

اقتصادی و اجتماعی این حملات و خسارات آنها انجام شود. این کارشناس حوزه صنعت با تأکید بر ضرورت افزایش حداکثری تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی افزود: باید شرایطی فراهم شود تا از تعدیل نیرو و از دست رفتن فرصت‌های شغلی جلوگیری شود. در این زمینه ضروری است وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، زمینه‌ماندگاری کارگران و نیروهای انسانی فعال در بازار کار فراهم کنند.

رئیس هیأت‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت با اشاره به ضرورت حمایت از کارگرانی که امکان ادامه فعالیت شغلی برای آنها وجود ندارد، تصریح کرد: در چنین مواردی باید پوشش‌های حمایتی لازم از جمله بیمه بیکاری برای این افراد در نظر گرفته‌شود و در عین حال لازم‌است از تعدیل نیرو در بنگاه‌هایی که از شرایط مناسب‌برخوردارند، جلوگیری شود.

سهل‌آبادی با اشاره به رشد شتاب‌دار هزینه‌های تولید صنایع گفت: به مسئولان پیشنهاد می‌دهیم که افزایش تعرفه برق مصرفی واحدهای صنعتی و تولیدی، به‌خصوص آنهایی که در جریان جنگ اخیر آسیب‌دیدند تا بازگشت شرایط به وضعیت عادی متوقف‌شود تا فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد نشود. این موضوع برای اشتغال مجدد نیروی کار نیز بسیار اهمیت دارد. وی خواستار تدویم همکاری صادقانه دستگاه‌های اجرایی در سطح ملی و استانی برای حفظ

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

تحول در سیاست‌های بازار کار برای رفع بیکاری جوانان ضروری است

بیش از ۴۰ درصد جمعیت بیکار کشور ا فراغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند؛ امری که نشان‌دهنده ناکارآمدی برنامه‌های فعلی در پیوندن تخصص دانش‌آموختگان به بازار کار است. گزارش وزارت کار با مرور ابزار سیاستی از جمله «یارانه دستمزد»، «هشوق‌های استخدلمی»، «خدمات کار یابی» و «برنامه‌های کارورزی» خاطر نشان می‌کند که با وجود تأکید اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه‌ای، مداخلات نتوانسته‌اند به‌طور کامل چالش بیکاری جوانان رارفع کنند.

در این گزارش، کارشناسان، دلایل اصلی عدم موفقیت کامل این طرح‌ها را در موارد زیر خلاصه کرده‌اند: -اجرای منفرد و جزیره‌ای: نبود زنجیره متصل میان «نیازسنجی مهارتی» تا «اشتغال پایدار» - تعدد

در نتیجه، افزایش‌های اسمی حقوق نتوانست به بهبود واقعی سطح رفاه منجر شود و بخش قابل توجهی از کارکنان ناچار به کاهش هزینه‌های ضروری شدند.

دو‌گانه دشوار کارفرما و کارمند: افزایش حقوق تا کجا؟

یافته‌های نظرسنجی جاب‌ویژن نشان می‌دهد که هم کارکنان و هم کارفرمایان، تورم را مبنای اصلی تعیین دستمزد می‌دانند. با این حال، افزایش حقوق متناسب با تورم برای بنگاه‌ها بدون هزینه نیست.

حدود ۴۱درصد کارفرمایان اعلام کرده‌اند که افزایش بیش از حد دستمزد دهمای تواننده کاهش مزایای جانبی کارکنان منجر شود. همچنین ۲۵درصد از آنها احتمال تعدیل نیرو را مطرح کرده‌اند و ۲۳درصد نیز از کاهش ظرفیت توسعه کسب‌وکار سخن گفته‌اند. این آرقام نشان می‌دهد که افزایش نامتوازن دستمزد می‌تواند در نهایت به کاهش اشتغال و حتی تضعیف بنگاه‌ها بینجامد.

در سوی مقابل، کارکنان نیز با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند. در صورت عقب‌ماندن دستمزد از تورم، بسیاری از آنها در تأمین هزینه‌های اساسی مانند خوراک، پوشاک و نیاز پرداخت بدهی دچار مشکل می‌شوند. حتی حدود یک‌چهارم کارکنان، به‌ویژه در سطوح حداقل دستمزد اعلام کرده‌اند که ناچار به کاهش هزینه‌های درمان و سلامت خواهند شد که نشانه‌های روشن از کاهش تاب‌آوری معیشتی است.

گزارش جاب‌ویژن نشان می‌دهد که سه عامل «گره شغلی»، «سطح ارشدیت» و «سابقه کاری» بیشترین نقش را در تعیین سطح دستمزد دارند؛ دو عاملی که می‌توانند به‌تنهایی اختلافی دو

تاسه‌برابری در درآمدا ایجاد کند. در میان گروه‌های شغلی، مشاغل مرتبط با فناوری اطلاعات در صدر قرار دارند. به‌عنوان نمونه، میان‌ه حقوق در حوزه مدیریت محصول به حدود ۵۲ میلیون تومان رسیده، در حالی که در مشاغلی

کاهش ۹ تا ۱۷ درصدی قدرت خرید مزدبگیران در سال گذشته

دستمزد در تله تورم

سال ۱۴۰۴ برای بازار کار ایران سالی پر نوسان و پر هزینه بود. وقوع دو جنگ، قطعی‌های مکرر اینترنت و اعتراضات گسترده فضای کسب‌وکار را با اختلال‌های جدی مواجه کرد. این تحولات نه تنها به کاهش فعالیت بسیاری از بنگاه‌ها انجامید، بلکه به تعدیل نیرو و افزایش نااطمینانی در بازار کار دامن زد.

به گزارش اکوایران، در چنین بستری، تورم به‌عنوان عامل کل‌مزن تعیین‌کننده فشار مضاعفی بر خانوار ها وارد کرد. اگرچه حداقل دستمزد در سال گذشته افزایش یافت اما شتاب رشد قیمت‌ها به‌گونه‌ای بود که این افزایش پیش از رسیدن به نیمه‌سال عملاً خنثی شد. این وضعیت این پرسش را برنگزرت کرد که آیا افزایش‌های جدید دستمزد می‌تواند از تورم پیشی بگیرد یا همچنان از آن عقب خواهد ماند؟

بر اساس گزارش جاب‌ویژن، میان‌ه حقوق دریافتی افراد در نیمه نخست سال حدود ۲۶ میلیون تومان بود که در پایان سال به ۲۰ میلیون تومان رسید. این افزایش، تا حدی ناشی از آن بود که حدود یک‌چهارم کارکنان در طول سال، علاوه بر ابتدای سال، مجدداً افزایش حقوق دریافت کردند؛ افزایشی که عمدتاً در ماه‌های شهریور و مهر اتفاق افتاد. با این حال، مساله کلیدی نه میزان افزایش، بلکه نسبت آن با تورم بود. داده‌ها نشان می‌دهد که حداقل دستمزد از شاخص‌های کلیدی اقتصاد عقب مانده؛ طوری که در پایان سال، حداقل حقوق حدود ۹درصد کمتر از تورم و ۱۲درصد پایین‌تر از رشد قیمت دلار قرار داشت. این شکاف در بخش دولتی حتی عمیق‌تر بود و به فاصله‌ای ۱۷درصد با تورم رسید.